



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

The Analysis of Legal Sanction of Tadleis in not Registering Marriage (in Jurisprudential View)

Shahla Zarei¹, Maryam Ghanizadeh Bafghi*², Hossein Shafiei³

1. PhD Student, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 493-505

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5768-8593

TELL: +989122455534

Email:

m.ghanizadebafghi@yahoo.com

Article history:

Received: 10 Sep 2022

Revised: 16 Oct 2022

Accepted: 31 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Tadleis, Non Registration of Marriage, Imprisonment, Monetary Punishment.

ABSTRACT

Tadleis in marriage registration means that the couple does not registered the marriage due to the deception of a spouse. From jurisprudence view, failure to register a marriage does not invalidate the marriage, and if it is not registered the effects of marriage remains. Legislator criminalized not registering the marriage. Legal sanction of not registering the marriage is monetary punishment and imprisonment. The study is descriptive - analytical and library method has been used. Finding indicate that non registration of marriage is not a crime in jurisprudence Marriage registration has not been customary in Islam and jurisprudence, but according to the Narrations, the behaviors that have been based on public announcements are substitution for marriage registration. If the marriage is legal and concluded based on Shari'a but not registered, it is the crime incriminal law and the legislator has criminalized it.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Zarei, SH; Ghanizadeh Bafghi, M & Shafiei, H (2023). "The Analysis of Legal Sanction of Tadleis in not Registering Marriage (in Jurisprudential View)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 493-505.



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

تحلیل ضمانت اجرای کیفری تدلیس در عدم ثبت نکاح (با تأکید بر فقه)

شهلا زرعی^۱، مریم غنی‌زاده بافقی*^۲، حسین شفیعی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

تدلیس در ثبت نکاح به معنای این است که زوج نکاح را به دلیل فریب زوجه ثبت نمی‌کند. از نظر فقهی، عدم ثبت نکاح باعث بطلان نکاح نمی‌باشد و با عدم ثبت، همچنان آثار زوجیت بر آن بار می‌شود. قانون‌گذار به جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح پرداخته است که ضمانت اجرای آن، جزای نقدی و حبس می‌باشد. مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که جرم‌دانستن عدم ثبت نکاح از نظر فقهی در تقابل با قانون است، لذا جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح برخلاف موازین فقهی است. ثبت نکاح در اسلام و فقه مرسوم نبوده است، اما براساس روایات، رفتارهایی که مبتنی بر اعلان عمومی نکاح بوده، جایگزین ثبت نکاح بوده است. چنانچه نکاح مشروع و قانونی باشد، اما ثبت نشود، از نظر قانون جرم است. قانون‌گذار جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح را برعهده زوج گذاشته است، زیرا زوج با تدلیس می‌تواند مانع از ثبت نکاح گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۹۳-۵۰۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اریکد: ۸۵۹۳-۸۵۷۶۸-۵۷۶۸-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۴۵۵۵۳۴

ایمیل:

m.ghanizadebafghi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

تدلیس، عدم ثبت نکاح، حبس، جزای

نقدی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تدلیس در نکاح عملیاتی است که باعث فریب طرف نکاح می‌گردد. برای اینکه تدلیس رخ بدهد، باید زوجین عمداً طرف مقابل را گمراه کنند، یعنی معایبی که وجود دارد را ببوشاند یا اینکه صفتی که وجود ندارد را به تدلیس درخور ایجاد کند و باعث فریب طرف مقابل گردد. اصولاً موارد تدلیس در نکاح مشخص هستند. از نظر قانونی ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است که: «چنانچه هریک از زوجین، قبل از عقد نکاح، طرف خود را به امور واهی، از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب بدهد و عقد بر مبنای هریک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از سه ماهه تا یک سال محکوم می‌گردد.»

باتوجه به اینکه قانون‌گذار در این ماده مصادیق تدلیس را تعیین کرده است، باید گفت به احصا موارد تدلیس پرداخته است، اما لغت امثال آن باعث می‌شود که بتوانیم مصادیق تدلیس را افزایش دهیم. به نظر می‌رسد عدم ثبت نکاح می‌تواند یکی از مصادیق تدلیس باشد، زیرا زوج به قصد فریب زوجه، نکاح را ثبت نمی‌کند تا زوجه از حقوق و آثار نکاح برخوردار نباشد و یا اینکه به دنبال نکاح دائم و یا موقت با زوجه دیگری باشد. از نظر فقهی عدم ثبت نکاح باعث خدشه به نکاح نمی‌شود و ضمانت اجرا برای آن در نظر نگرفته است، اما از قانونی برای حفظ کیان خانواده و حفظ آثار نکاح، زوجین را ملزم به ثبت نکاح نموده است. در این خصوص سؤالاتی مطرح می‌شود، نظیر: عدم ثبت نکاح از مصادیق تدلیس محسوب می‌شود؟ قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی به جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح ناشی از تدلیس می‌پردازد؟

در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده باید گفت، به نظر می‌رسد عدم ثبت نکاح به نوعی تدلیس محسوب می‌شود و قانون‌گذار با قراردادن لغت امثال آن در ماده ۶۴۷ قانون مجازات سعی در عدم احصا مصادیق داشته است، لذا با شرایط جامعه می‌توان مصادیقی به آن اضافه نمود. با بررسی مطالب باید گفت که پژوهش مذکور دارای نوآوری است، زیرا تدلیس در عدم ثبت نکاح تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است، اما پژوهش‌هایی که به موضوع نزدیک است، شامل مقاله بررسی

فقهی حقوقی ثبت‌نکردن نکاح در دفاتر اسناد رسمی نگارش شده توسط علیشاهی قلعه‌جوئی و اسکندری در سال ۱۳۹۷ می‌باشد که در این پژوهش دلایل عدم ثبت نکاح و عناصر تشکیل‌دهنده جرم واکاوی می‌شود. مشکلاتی که عدم ثبت نکاح به وجود می‌آورد نیز در این پژوهش تبیین می‌شود. مقاله دیگری تحت عنوان بررسی فقهی دلایل جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح نگارش شده توسط رضایی راد در سال ۱۳۹۷ است، نویسنده در این مقاله بیان می‌کند که به منظور تطبیق قوانین با شرع به بررسی عدم ثبت نکاح از نظر فقه می‌پردازد، اما نویسنده عدم ثبت نکاح را نوعی از تدلیس نمی‌داند.

۱- تعریف تدلیس از نظر لغوی و اصطلاحی

به منظور تشریح موضوع به طور دقیق الزامی است که نخست کلمه تدلیس را از نظر مفهومی مورد بررسی قرار دهیم تا بدین وسیله قادر به ارائه قضاوتی صحیح و منصفانه در رابطه با مصادیق آن در نکاح باشیم. از این رو به شرح و بررسی مفهوم لغت تدلیس از نظر لغوی و از منظر فقها و حقوق‌دان‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱- مفهوم تدلیس از نظر لغوی

در معجم المصطلحات چنین بیان گردیده که: «التدلیس مأخوذ من الدلسه و هی الظلمه و هو لغه کتمان العیب: تدلیس برگرفته از ریشه دلسه بوده و به مفهوم ظلمت و تاریکی است و تدلیس لغتی به مفهوم پنهان نمودن عیب می‌باشد» (عبدالمنعم، بی تا: ۴۵۲/۱). همچنین در المنجد نیز این گونه آمده است که: «دلس به مفهوم فریب‌دادن، دالسه، مداله به مفهوم فریفتن، خدعه نمودن و ظلم و ستم کردن می‌باشد.» دلس به مفهوم مخفی نمودن و تدلیس به مفهوم نیزنگ و فریب می‌باشد. همین مفاهیم در دیگر منابع هم به وسیله عبارات و بیانات گوناگون قید گردیده است (مقری فیومی، ۱۴۰۵: ۱۹۸؛ آذرنوش ۱۳۹۱: ۳۱۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۱۷۷).

۱-۲- مفهوم تدلیس در اصطلاح فقها

کلمه «تدلیس» در متون حدیثی شیعه و در منابع فقهی اکثراً در خصوص بیع و نکاح مورد استفاده قرار گرفته است، اما بعضی از فقها اقدام به ارائه تعریفی از تدلیس در نکاح ننموده‌اند و از همان اول به شرح مصادیق آن روی آورده‌اند

(حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۲۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۹: ۵/۶۶؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۸/۱۳۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲/۲۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۸۰) که شاید علت این امر تعریف خیار تدلیس در عقد بیع قلمداد شود، اما شیخ انصاری در مقام تعریف تدلیس در عقد نکاح چنین بیان داشته که: «تدلیس به اظهار صفت کمال در زن با وجود نبود صفت مزبور و یا مخفی نمودن صفت نقصی در او اطلاق می‌شود» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۵۳). وی در تعریف اخیرالذکر، از نظر غلبه وقوعی مصادیق تدلیس در زنان و همچنین بدین لحاظ که زیبایی و ظاهر همسر برای مردان بیشتر از زنان اهمیت دارد، از این رو تدلیس را تنها به زن و صفت پوشالی کمالی که در او به وجود می‌آید، اطلاق کرده‌اند. این درحالی است که مورد خصوصیت ندارد و بی‌شک، هیچ فرقی در اصل و ماهیت تدلیس زن و مرد و آثار آن‌ها ملاحظه نمی‌گردد. بدین منظور صاحب جواهر اظهار می‌دارد که گویی مدلس زمانی که تدلیس و خدعه می‌نماید، امر را از طرف دیگر پنهان می‌دارد و چنانچه کاری از وی سر بزند که برعکس آنچه واقعیت دارد، بر وی آشکار گردد، لذا در پی این عمل برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰/۲۶۲).

بعضی دیگر از فقها، به بررسی تدلیس در مصادیقی بیشتر از زوجه و تدلیس الماشطه پرداخته‌اند و در رابطه با معامله هر نوع کالایی آن را مطرح کرده‌اند، به طوری که صاحب مسالک در مقام تعریف تدلیس چنین بیان می‌دارد: «المراد به اخفاء عیب السلعه» بدین معنی که مقصود از تدلیس مخفی داشتن عیب و نقص کالا می‌باشد (عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۳/۲۸۲) در مصباح الفقاهه هم این‌گونه قید گردیده که: «تدلیس به مخفی‌نگه‌داشتن عیب کالا از مشتری و پنهان کردن از وی ضمن بیان ویژگی‌هایی که آن ویژگی‌ها در کالای مزبور وجود ندارند» (خوئی، بی تا: ۱/۲۰۵).

۱-۳- تدلیس در حقوق موضوعه ایران

در قانون مدنی واژه تدلیس درخصوص عقد نکاح مورد استفاده قرار نگرفته و مقنن در عقد نکاح از خیار تدلیس یاد نکرده است، لیکن ماده ۴۳۸ ق.م.د در مقام تعریف تدلیس چنین بیان داشته است که: «تدلیس به اقدامی اطلاق می‌شود

که سبب فریب طرف معامله گردد»، بدین منظور حقوق دان‌ها در تشریح ماده مذکور و تطابق آن با تدلیس در عقد نکاح، تعاریف مختلفی را درمورد تدلیس در عقد نکاح ارائه نموده‌اند:

۱- تدلیس در عقد نکاح عبارتست از اینکه با اقداماتی متقلبانه، نقص و یا عیبی که در یکی از زوج‌ها وجود دارد را مخفی کنند و یا وی را دارای ویژگی‌هایی کمالی معرفی نمایند، در صورتی که که وی فاقد آن می‌باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

۲- تدلیس به اقدامات متقلبانه‌ای اطلاق می‌شود که از طرف یکی از زوجین و یا اولیای آن‌ها به وقوع می‌پیوندد، به گونه‌ای که چنانچه اقدامات مزبور صورت نمی‌گرفتند، آن عقد نیز واقع نمی‌گردید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

۳- به منظور محقق‌گشتن تدلیس بایستی یکی از زوج‌ها عمداً زوج دیگر را فریب دهد. به عبارت دیگر ضمن پنهان‌داشتن نواقص و معایبی که دارد و یا آشکار ساختن ویژگی‌هایی که در وی وجود ندارد، طرف دیگر را مغرور و راضی به عقد نکاح نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۸۶).

از تعاریف فوق چنین برداشت می‌شود که به منظور محقق‌گشتن تدلیس باید اقداماتی صورت گیرد، این درحالی است که این مسأله چندان با ماهیت تدلیس و مبانی فقهی آن سازگاری و تطابق ندارد، زیرا در این حالت بعضی از نواقص و بیماری‌هایی که فاقد نشانه ظاهری هستند، از حوزه تدلیس خارج می‌گردند؛ این درحالی است که درمورد چنین نقص‌هایی هیچ لزومی به انجام اقداماتی نبوده و تنها عدم اظهار آن جهت محقق‌گشتن تدلیس کافی می‌باشد.

با دقت در سیره همه انبیاء و ائمه و صلحا به راحتی می‌توان فهمید که در هیچ مورد اشاره‌ای به ثبت نکاح نشده و هیچ سخنی هم درباره ضرورت ثبت نکاح آن هم به صورت رسمی و قانونی و با تشریفات خاص نشده است و هیچ‌کدام از این بزرگواران نکاح خود را در هیچ دفتری ثبت نکرده‌اند.

به عبارت دیگر اگر عدم ثبت نکاح عملی مجرمانه باشد، تمام انبیاء، ائمه، صلحا و اولیاء - العیاذ بالله - مجرم هستند و باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند، حال آنکه این لازم باطل و

موضوع نکاح (نساء/۳؛ نور/۳۲) هم موضوع ثبت و ضرورت آن در امور دیگر (بقره/۲۸) هر دو در قرآن کریم، مورد توجه قرار گرفته است و اگر ثبت نکاح هم ضرورتی داشت و بلکه بالاتر از آن، اگر عدم آن جرم و مستحق مجازات بود، جا داشت که در مورد ضرورت آن در قرآن و روایات تذکراتی داده می‌شد، زیرا در غیر این صورت مصداق تأخیر بیان از محل حاجت و خلاف شأن شارع بود.

ممکن است کسی در مقام اشکال به این دلیل به قاعده تعزیر اشاره کند و بگوید براساس قاعده تعزیر نبودن مجازات در شرع، برای عملی، مانع از آن نمی‌شود که توسط حاکم برای آن عمل، مجازات تعیین شود، اما این اشکال با اندکی تأمل مرتفع می‌شود، زیرا براساس قاعده تعزیر، حاکم می‌تواند برای هر عملی که حرام باشد، مجازاتی را معین کند، نه برای هر عملی (التعزیر لکل محرم) و عملی که حرام بودنش قابل اثبات نباشد، قابل تعزیر هم نیست. علاوه بر این، وضع مجازات، برای اموری که حرمتشان اثبات نشده، اگر قابل رد نباشد، حداقل مشکوک و محل اشکال است و به حکم «قاعده درأ» و «اصل عدم»، باید جانب عدم را گرفت، زیرا مطابق قاعده درأ در هیچ مورد مشکوکی مجازات و اجرای احکام جزایی مجاز نیست. تاکنون مفهوم و مصادیق تدلیس را بیان نمودیم، حال به شرایط فریب و تدلیس در نکاح می‌پردازیم.

۲- تدلیس در نکاح، شرایط و روش‌های تحقق یافتن آن

فریب از نظر لغوی به مفهوم حيله، مکر، نیرنگ، خدعه می‌باشد. فریب‌دادن به تمسک‌جستن به هرگونه اقدامات متقلبانه‌ای اطلاق می‌شود که سبب مغرورگشتن طرف دیگر شود. از جمله شروط اساسی در تمام عقود، قصد و رضای طرفین می‌باشد. نکاح هم جدا از این موضوع نبوده است و براساس مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۷۰ از قانون مدنی قصد نکاح و رضای زوجین، از جمله مهم‌ترین شروط صحت و نفوذ عقد نکاح به‌شمار می‌روند، بدین سبب مقنن برای طرف فریبکار در نکاح نیز مجازات در نظر گرفته و همچنین به لحاظ مدنی فسخ چنین نکاحی را امکان‌پذیر کرده است. از نظر حقوقی، در ماده ۱۱۲۸ از قانون مدنی حق فسخ نکاح در خصوص شخص فریب‌خورده در نظر گرفته شده است. از نظر کیفری

مخالف مسلمات و بدیهیات شریعت مقدسه و مخالف اصل پذیرفته‌شده عصمت انبیاء و ائمه است (علامه حلی، ۱۳۸۲: ۱۸۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۹۸؛ حلی علامه، ۱۹۷۵: ۵۰) و چون نتیجه، نظریه جرم‌انگاری مجرم‌بودن انبیاء و ائمه است، باطل و نادرست است، پس اصل نظریه، یعنی جرم‌انگاری که این نتیجه باطل از آن به‌دست آمده است نیز باطل و نادرست است، زیرا براساس قواعد منطقی و فلسفی، نتایج باطل و نادرست یک نظریه علامت نادرستی اصل آن نظریه است و بقول فلاسفه: «اذا فسَدَ اللازمُ فسَدَ الملزوم».

چگونه ممکن است کسانی که سیره و سنت آن‌ها منبع شریعت است و وجودشان حجت خدا بر خلق است، مجرم بوده و عملی را انجام دهند که تا این حد از زشتی و ناپسندی باشد که مستحق مجازات دنیوی و به اصطلاح امروز جرم باشد؟ و اگر چنین باشد، قانون مجازات اسلامی که مطابق اصل ۴ قانون اساسی می‌بایست منطبق بر موازین اسلامی باشد، در مقابل سیره معصومین و قرآن‌های ناطق قرار می‌گیرد.

براساس اعتقادات مُسَلَّم شیعیه، هیچ‌کدام از فعل یا ترک فعل‌های معصوم، نمی‌تواند گناه باشد تا چه رسد به آنکه جرم باشد و اگر این اصل را بپذیریم، چون معصومین، ثبت نکاح را ترک کرده‌اند، پس عدم ثبت نکاح، گناه نیست، چون معصومند و اگر حرام بود، مرتکب آن نمی‌شدند و وقتی حرام نیست، به طریق اولی جرم هم به حساب نمی‌آید، بلکه حتی می‌توان گفت چون معصومین ثبت نکاح را ترک کرده‌اند، این ترک هم مکروه نیست، زیرا موقعیت انبیاء و معصومین به‌گونه‌ای است که حتی مکروه و ترک اولی نیز مرتکب نمی‌شوند (طالقانی، ۱۳۸۶: ۳۵۶/۲؛ احتشامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۹-۲۵) جایگاه و مقام امامت و رهبری الهی آنان گویای آن است که هر عملی از ایشان سرزند، اگر واجب نباشد، اما درهرحال جنبه‌ای از اولویت و ترجیح دارد و مکروهی از آنان سر نمی‌زند (طالقانی، ۱۳۸۶: ۳۵۶/۲؛ احتشامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۹-۲۵).

نه‌تنها مسأله نکاح مسأله نو و مستحدث نیست، بلکه حتی مسأله ثبت هم مسأله‌ای مستحدث نیست که بتوان ادعا کرد در زمان گذشته مطرح نبوده و موضوعاً منتفی است، زیرا هم

۲-۲- تمسک‌جستن به فریب پیش از عقد نکاح

یکی از دلایل و شرایط محقق‌شدن جرم تدلیس در نکاح تمسک هرکدام از زوجین به امور واهی به‌منظور اغفال طرف دیگر، از جمله سایر شرایط محقق‌گشتن بزه موضوع ماده ۶۴۷ می‌باشد که بایستی پیش از عقد نکاح صورت گیرد. فریفتن متقلبانه طرف عقد به‌وسیله فردی دیگر با تمسک‌جستن به امور واهی و مغایر با واقعیت، لزوماً باید تا پیش از عقد نکاح صورت پذیرد و در غیراین‌صورت موضوع چنین بزه‌ای ملغی خواهد بود. در همه پژوهش‌های مورد بررسی، فریب پیش از عقد نکاح انجام گرفته و دلیل نکاح همان امور واهی قلمداد گردیده است. چنانچه یکی از آن‌ها پس از انجام عقد نکاح، از نظر خویش به‌منظور استمرار زندگی مشترک به‌وسیله صحنه‌سازی نسبت به انجام اقدامات اغفال‌کننده از طریق امر یا امور موهومی مبادرت ورزند و قصد فریب طرف مقابل خویش را داشته باشند، چنین عمل فریبنده‌ای از طرف او در شمول حکم این ماده قانونی قرار نمی‌گیرد. بزه فریب در عقد نکاح، از جمله جرایم مقید و مشروط می‌باشد و در صورتی که طرف مقابل به‌موجب اقدامات فریبنده قبل از نکاح مرتکب اغفال شده باشد، بزه موضوع ماده ۶۴۷ از قانون مجازات اسلامی به‌علت تحقق نیافتن فریب حتی در صورت نکاح نیز محقق نمی‌شود.

۲-۳- ضرورت وقوع عقد نکاح مبتنی بر امور واهی

اقداماتی که عقد نکاح مبتنی بر آن صورت می‌گیرد، باید واهی و مغایر با واقعیت باشد. همین‌طور چنانچه عقد نکاح مبتنی بر یک ویژگی غیرحقیقی انجام شود و طرف عقد ضمن آگاهی نسبت به عدم برخورداری از چنین ویژگی ساکت بماند، علیرغم اینکه سکوت وی آگاهانه نیز باشد، لیکن با امعان نظر به‌مضمون ماده ۶۴۷ از قانون تعزیرات در این فرض نیز موضوع در شمول این حکم قانونی قرار نمی‌گیرد، زیرا فریب عنصر مادی این بزه قلمداد می‌شود که در عالم خارج به شکل رفتار فیزیکی مثبت محقق می‌شود و ترک فعل نمی‌تواند به‌مثابه عنصر مادی تشکیل‌دهنده این بزه به‌شمار رود (نبی‌پور، ۱۳۸۵: ۵).

فریب در نکاح به‌مثابه یکی از جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی ذیل ماده ۶۴۷ از قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است و درخصوص مرتکب آن کیفر حبس تعزیری از ۶ ماه الی ۲ سال پیش‌بینی گردیده است. با امعان نظر به تعریف ارائه‌شده راجع به فریب و مضمون ماده ۶۴۷ می‌توان گفت که فریب در نکاح به‌مفهوم فریفتن متقلبانه یکی از طرفین عقد به‌وسیله طرف دیگر با تمسک‌جستن به امر یا امور واهی و مغایر با واقعیت می‌باشد.

مسأله حائز اهمیت درخصوص اقدامات فریبنده شخص مرتکب جرم آنست که هرگونه عملیات و یا اظهارات متقلبانه جهت اغفال طرف دیگر، بایستی پیش از انجام عقد نکاح همراه با صحنه‌سازی‌هایی صورت گیرد تا بدین‌وسیله امر موهوم مورد ادعای شخص مرتکب را به شکل امری حقیقی در نظر طرف دیگر ظاهر کند، به‌گونه‌ای که با چشم‌پوشی از آن عملیات، عقد نکاح امکان‌پذیر نخواهد بود، بدین‌ترتیب هر وقت پیش از عقد نکاح امر بی‌اساسی صورت گیرد، اما مقرون به ادله مادی و محسوس خارجی نباشد، حتی در صورتی که از جانب طرف عقد بیان گردیده و عقد مبتنی بر آن صورت پذیرد عنوان فریب در نکاح را نخواهد داشت. ذیلاً شرایط محقق‌گشتن جرم فریب در نکاح به‌صورت مجمل و مختصر شرح داده خواهد شد.

۲-۱- وجود انتساب زوجیت میان فرد مرتکب و بزه‌دیده

میان فرد مرتکب بزه فریب در عقد نکاح و بزه‌دیده آن بایستی انتساب زوجیت برقرار باشد. مقنن ذیل ماده ۶۴۷ از قانون مجازات اسلامی به‌منظور معرفی مرتکب جرم، واژه زوجین را به‌کار برده و بدین‌سبب حکم ماده مذکور صرفاً زوج و زوجه را شامل می‌شود، چه اینکه شخص مرتکب جرم، زوج باشد و چه زوجه. فرد یا افراد دیگری نمی‌توانند به‌عنوان مجرم و یا بزه‌دیده این نوع از بزه به‌شمار روند، از این‌رو هر وقت شخص ثالثی همچون یکی از اولیاء و یا یکی از زوجین پیش از انجام عقد نکاح، برعکس واقعیت، فرزند خود را دارای مدرک تحصیلی عالی معرفی کند، چنین عملی در شمول حکم این ماده قانونی قرار نخواهد گرفت.

مقابل فریب‌هایی که از جانب خانم‌ها صورت گرفته، اکثراً مبتنی بر پنهان کردن نکاح گذشته است.

۲-۶-۲- عدم ثبت نکاح

ثبت نکاح به جهت آثار مهم آن در زندگی زوجین فرزندان مشترک و حتی اشخاص ثالث، مورد توجه کلیه کشورها قرار گرفته است. قانون‌گذار ایران نیز در این راستا گام‌هایی برداشته و با وضع ضمانت اجرایی کیفری برای انعقاد نکاح بدون ثبت حقوق کیفری را در حوزه خانواده وارد نموده است. ثبت نکاح از اقامه دعوی چون اثبات زوجیت یا اثبات نسب پیشگیری می‌نماید. این امر ناشی از اثر سند رسمی و عدم امکان رد آن با امارات است (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). همچنین ثبت نکاح مانع نکاح‌های بعدی، تدلیس و فریب در نکاح می‌شود، زیرا با ثبت نکاح، مراتب در شناسنامه‌های زوجین درج می‌شود (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۰۴). ثبت واقعه نکاح وجهه بین‌المللی نیز دارد، به نحوی که ماده سوم کنوانسیون مصوب سازمان ملل متحد درباره رضایت در نکاح، حداقل سن برای نکاح و ثبت نکاح که بر اساس قطع‌نامه شماره ۱۷۶۳ مجمع عمومی این سازمان و با احترام کامل به ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصویب گردیده اعلام می‌دارد: «همه نکاح‌ها باید به وسیله مقامی صالح در یک دفتر اسناد رسمی به ثبت برسند.» (سلمان پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۸۶) به نظر نگارنده، عدم ثبت نکاح تدلیس زوج می‌باشد، زیرا زوج از این موضوع سوءاستفاده می‌کند و باعث اغفال زوجه نسبت به آثار حقوقی زوجه می‌شود.

۲-۶-۱- عدم ثبت نکاح دائم

قانون‌گذار در سال ۱۳۷۵ تنها به ثبت نکاح دائم اشاره دارد و برای عدم ثبت نکاح موقت ضمانت اجرایی در نظر نگرفته است. ماده ۶۴۵ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کیان خانواده، ثبت واقعه نکاح دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به نکاح دائم، طلاق و رجوع نماید، به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می‌گردد.»

در قانون جدید مجازات عدم ثبت نکاح دائم تغییر کرده است، به طوری که میزان حبس کاهش یافته و جزای نقدی نیز در

با عنایت به مطلق بودن این لفظ ذیل ماده ۶۴۷ از قانون تعزیرات، مطلب شایان ذکر در رابطه با فریب آنست که تمسک جستن به امر واهی باید به گونه‌ای صورت گیرد که یک فرد معمولی نوعاً اغفال شود. به منظور تشخیص فریب در هر مورد، محکمه الزاماً عملیات واهی متقلبانه طرف عقد را در صورتی که عرفاً فریب طرف دیگر را در پی داشته باشد، به عنوان ملاک بزه کاری در نظر می‌گیرد، چه اینکه طرف دیگر عقد شخصی ساده‌اندیش و یا انسانی آگاه و باهوش باشد. از این رو هر وقت پیش از عقد نکاح و در روند تمسک جستن مرتکب به راه‌های متقلبانه به منظور اغفال طرف دیگر، مکر و نیرنگ او برای طرف مقابل آشکار گردد، می‌توان نسبت به مجازات شخص مرتکب به دلیل اقدام به فریب در عقد نکاح مبادرت ورزید (ولیدی، ۱۳۸۳: ۳۹۰).

۲-۴-۲- غیر قابل گذشت بودن بزه فریب در نکاح

با وجود اینکه به نظر می‌رسد که جنبه خصوصی جرم فریب در نکاح بر جنبه عمومی آن غالب است، ولی از آنجایی که این جرم در زمره جرایم قابل گذشت احصایی مقنن در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی قرار نگرفته است، از جرایم غیر قابل گذشت محسوب می‌شود. بنابراین حتی اگر شاکی خصوصی از شکایت خود صرف نظر نماید، دادگاه نمی‌تواند تعقیب مرتکب جرم را موقوف یا مجازات وی را اجرا نماید، گرچه دادگاه مخیر است که در صورت احراز جهات مخففه مقرر در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات مرتکب را تخفیف داده و یا آن را به نوع دیگری از مجازات که مناسب‌تر به حال وی باشد، تبدیل نماید و علاوه بر این امکان تعلیق مجازات آزادی مشروط و عفو مجازات مرتکبین این جرم در صورت احراز شرایط مقرر قانونی وجود دارد.

۲-۵- سایر شیوه‌های فریب در نکاح

در خصوص شیوه‌های غالب مورد استفاده هریک از زوجین در جهت فریب دیگری براساس پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها می‌توان گفت بیشتر فریب‌هایی که از جانب آقایان صورت گرفته، دروغ در داشتن تحصیلات عالیه، شغل مناسب یا حتی ادعای فرزندی یکی از خانواده‌های معروف بوده است و در

صرفاً شامل حال موجودات زنده می‌باشد، چراکه بایستی دارای هوش، اراده و آگاهی باشند تا بتوانند نسبت به ارتکاب بزه اقدام نمایند. ثبت نکاح یکی از تشریفاتی قلمداد می‌شود که فاقد هرگونه تأثیری در صحت عقد نکاح است و به ثبت‌نرساندن آن مجازات کیفری در پی دارد و یا به‌عبارت‌دیگر، ثبت‌نشدن عقد نکاح هیچ آسیبی به صحت آن وارد نمی‌کند و علیرغم به ثبت‌نرسیدن نیز نکاح صحت دارد (شهیدی، ۱۳۷۷: ۸۷-۸۶؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۱۱۴۳)، زیرا ثبت، ازجمله شروط صحیح‌بودن عقد نکاح قلمداد نشده (بهجت گیلانی فومنی، ۱۴۲۶: ۸) و عقدی که ثبت نگردیده نیز دارای اعتبار می‌باشد (شهیدی، ۱۳۷۷: ۸۷). یکی از مقدمات مورد نیاز جهت به ثبت‌رسیدن عقد نکاح که همچون خود ثبت شرط صحت نبوده، تدوین و ارائه گواهینامه تندرستی می‌باشد (امامی و صفایی، ۱۳۹۶: ۶۰).

درخصوص عقد دائم قانون آنست که چنانچه فردی صرف‌نظر از ثبت در دفاتر اسناد رسمی اقدام به عقد دائمی نماید، شخصی که سیغه عقد را قرائت می‌کند، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت (شهری، ۱۳۸۱: ۱). چنانچه عقد نکاح بدون ثبت در دفاتر صورت گیرد، امکان دارد که شخص منکر قضیه شده و چالشی به‌وجود آید، مضافاً اینکه تکلیف فرزندان آن‌ها نیز روشن نمی‌گردد، زیرا درصورت فاقد شناسنامه‌بودن فرزندان، هیچ نقشی در جامعه نمی‌توانند برعهده گیرند و چنانچه شناسنامه نداشته باشند، مسؤلیت این امر متوجه آن‌ها خواهد شد. ازاین‌رو همگی ملزم به ثبت عقد دائم در دفاتر هستند و درصورت اقدام به ثبت‌نکردن، جرم تلقی شده و تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۲۷). بعضی از اساتید حوزه حقوق، جرم ناشی از ثبت‌نکردن نکاح را به‌عنوان یک جرم آنی قلمداد کرده‌اند که به صرف نکاح مرد و به ثبت‌نرساندن عقد نکاح تحقق می‌یابد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۴۰؛ دینانی، ۱۳۸۷: ۸۳). ذیل ماده ۴۴ از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ آمده است: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به نکاح دائم، طلاق و فسخ و رجوع نماید، ضمن الزام به ثبت واقعه، به پرداخت مبلغ بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال جزای نقدی و یکی از محرومیت‌های اجتماعی متناسب محکوم می‌شود.» پس به نظر

کنار حبس به‌عنوان مجازات قانونی مطرح شده است. همچنین قانون حمایت خانواده، عدم ثبت نکاح موقت را در مواردی، با مجازات همراه کرده است. طبق ماده ۴۹ این قانون: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به نکاح دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک‌ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است، از ثبت آن امتناع کند. ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.» باتوجه به قانون سابق اجرای مجازات بر مرد به‌تنهایی رافع آثار سوء ناشی از عدم ثبت نکاح نیست و زن به‌منظور اثبات زوجیت مکلف به اقامه دعوی در دادگاه خانواده بود، اما در قانون حمایت خانواده مرد در کنار تحمل مجازات، ملزم به ثبت واقعه نکاح شده و نیاز به تقاضای جدیدی از سوی زوجه نمی‌باشد.

۲-۶-۲- علل و آثار عدم ثبت نکاح

مردان برای فرار از مسؤلیت‌های ناشی از نکاح اقدام به نکاح و عدم ثبت رسمی آن می‌نمایند. در موارد بسیاری علت عدم ثبت نکاح این است که مرد متأهل بوده و تمایلی برای رسمی‌نمودن نکاح دوم ندارد، هرچند در این موارد بیشتر نکاح موقت صورت می‌گیرد که جز در موارد خاص نیازی به ثبت ندارد. باتوجه به عرف جامعه، روابط خارج از نکاح پسندیده محسوب نمی‌شود. بنابراین عدم ثبت نکاح و گاهی انکار زوجیت در پی آن موجب آسیب‌های اجتماعی بر بزه‌دیدگان می‌شود. از سوی دیگر در صورت فرزنددارشدن، باتوجه به وظایفی که طبق قانون برعهده زوجین است، اجرای حقوق فرزندان با مشکل روبه‌رو می‌شود. شایع‌ترین مشکل در این زمان، عدم دریافت شناسنامه برای فرزند تازه‌متولدشده است که گاه تا چند سال گرفتن شناسنامه به طول می‌انجامد.

۲-۶-۳- ضمانت اجرایی ثبت‌نشدن عقد نکاح

ثبت به مفهوم قید قراردادها و نحوه انجام معاملات در دفاتر رسمی ثبت می‌باشد (شهری، ۱۳۸۱: ۱). نکاح در حقوق مدنی یکی از عقود غیرتشریفاتی به شمار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵۶) که به ثبت نرسیدن آن مشمول ضمانت اجرای کیفری می‌شود (امامی، بی‌تا: ۶۱) که این تضمین اجرایی کیفری

به‌دلیل پیامدهای روانی، جسمانی و اجتماعی بر زندانیان به‌عنوان یک عامل جرم مورد توجه قرار گیرد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۳۳).

جریمه با جزای نقدی به‌معنای تاوان و گرفتن مجازات نقدی، از مجرم است. در ۴۰ درصد جرایم حوزه خانواده، جزای نقدی به‌عنوان تنها کیفر یا در کنار حبس مطرح شده است. قبل از تصویب قانون جدید در بسیاری از موارد نیز به‌عنوان بدل از حبس، در احکام دادگاه‌ها مشاهده می‌شد. مجازات جزای نقدی در عدم ثبت نکاح یا طلاق و رجوع در کنار حبس و بعد از لفظ «یا» آمده است و قاضی مخیر به انتخاب حبس یا جزای نقدی شده است. صدور جزای نقدی برای افرادی که به‌لحاظ مالی مشکلی ندارند، نه بازدارنده و نه ناتوان‌کننده محسوب می‌شود و خسارت بزه‌دیدگان را نیز جبران نمی‌کند (رضایی راد، ۱۳۹۷: ۲۰۵).

افراد به‌خاطر ارتکاب عمل خلاف هنجارهای اجتماعی که جرم‌انگاری شده است، مجازات می‌شوند. در جرم فریب در نکاح، مرتکب با فریبکاری و گمراه کردن دیگری برای رسیدن به هدف خود (نکاح) بدون رضایت واقعی طرف مقابل قابل مجازات است. عدم ثبت نکاح با مجازات همراه است، زیرا فرد در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده است. با توجه به اهمیت و قداستی که مفهوم خانواده در جامعه دارد، هدف اولیه در توجیه کیفر، رویکرد سزادهی است. همین نگاه در سایر جرایم نیز قابل مشاهده است، یعنی با نگاه به گذشته، فرد به‌دلیل جرم ارتكابی قابل سرزنش و مجازات است. در اکثر پرونده‌های فریب در نکاح، هدف قانون‌گذار سزادادن مرتکب به نظر می‌رسد. بزه‌دیدگان این جرم نیز به دنبال مجازات و انتقام از مرتکب هستند (رضایی راد، ۱۳۹۷: ۳۰۵).

در کیفرگذاری خصوصاً در مورد محیط خانواده مهم‌تر از سزادهی مرتکب، کاهش جرم در آینده اصلاح مرتکب و همچنین در نظر گرفتن منافع بزه‌دیدگان است؛ در جرم عدم ثبت نکاح، بزه‌دیده برای اثبات حقوق خود به‌دنبال ثبت واقعه نکاح است، نه گرفتن انتقام از کسی که به‌عنوان شریک زندگی انتخاب کرده است. بنابراین وجود اهداف آینده‌نگر و

نگارنده قانونگذار ایجاد عقد نکاح در صورت عدم ثبت آن را به‌مثابه جرم تلقی می‌کند که این جرم نیز همچون سایر جرایم مشمول کیفرهایی است تا مردم آگاهی یابند.

۲-۶-۴- تحلیل کیفرشناختی حبس و جزای نقدی در عدم ثبت نکاح

حبس از لحاظ کارکردهایش ضمانت اجرایی منحصربه‌فرد است، چون به حسب نوع رژیم که در زندان اعمال می‌شود، می‌تواند اهداف مختلف کیفر را محقق کند، درحالی‌که سایر مجازات‌ها، معمولاً یک و یا حداکثر دو قسم از اهداف کیفر را برآورده می‌سازند، مثلاً در حالی که مجازات اعدام و یا شلاق هدف بازدارندگی را دنبال می‌کنند، ولی هیچ‌گاه نمی‌توانند کارکرد اصلاحی داشته باشند؛ مجازات حبس می‌تواند هدف بازدارندگی، ناتوان‌سازی و یا اصلاح و بازپروری را دنبال نماید. در گذشته کیفر حبس همچون سایر مجازات‌ها هدف سزادهی و یا ناتوان‌سازی را دنبال می‌نمود. با شکل‌گیری جرم‌شناسی نظری و به‌دنبال آن جرم‌شناسی بالینی و سپس طرح اندیشه و سیاست اصلاح و بازپروری، ساختار زندان نیز تغییر یافته و تبدیل به درمانگاهی شد که برنامه‌های اصلاحی در آن دنبال می‌شد.^۱

قانون اساسی در اصل ۱۵۶ به رویکرد درمانی مجازات اشاره دارد، این اصل که مشخصاً در مقام احصای وظایف قوه قضاییه است، در بند پنجم یکی از وظایف قوه قضاییه را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین مقرر داشته است. در قوانین عادی هم با توجه به اختیاراتی که به قضات در راستای اصل فردی‌کردن مجازات داده شده، رگه‌هایی از نظریه اصلاح و درمان در قانون‌گذاری ایران قابل مشاهده است. مطالعات انجام‌شده درباره ارزیابی عملکرد زندان به‌عنوان محل اجرای مجازات سالب آزادی نشان می‌دهد که از نظر مجازات و سرکوبی، کارایی آن درخصوص پیشگیری عمومی بزه‌کاری، حذف، ارباب و اصلاح محکومان ثابت نشده است. زندان تنها یک رسالت پیشگیرانه محدود دارد، زیرا فرد زندانی را از جامعه دور می‌کند و در این مدت امکان ارتکاب جرم برای وی وجود ندارد. زندان ممکن است

^۱ - پاک‌نهاد، نقل از سایت حقوق‌دان.

فایده‌گرا در اعمال کیفر حائز اهمیت است (رضایی راد، ۱۳۹۷: ۳۰۵).

هدف از مجازات پیشگیری از جرم در آینده است و این هدف باتوجه به ویژگی بازدارنده در مجازات‌ها قابل دسترسی است. برای تحقق بازدارندگی ناشی از مجازات لازم است سه ویژگی سرعت، قطعیت و شدت در مجازات وجود داشته باشد. قانون‌گذار با جرم‌انگاری فریب در نکاح و تعیین حداکثر دو سال حبس برای مرتکب این جرم موجبات بازدارندگی عام را فراهم کرده است.

درخصوص جرم عدم ثبت نکاح نیز قانون‌گذار در قانون تعزیرات سال ۷۵ با رویکرد شدت در مجازات به‌منظور بازدارندگی و پیشگیری به تعیین مجازات حبس پرداخته است، اما شدت در مجازات لزوماً بازدارنده نیست. بنابراین قانون حمایت خانواده باتوجه به ماهیت جرم عدم ثبت نکاح و عدم بازدارندگی ضمانت اجرای شدید میزان حبس را کاهش داده و مجازات نقدی را نیز در کنار حبس و به‌صورت تخییری مقرر کرده است (علیشاهی قلعه‌جوقی و اسکندری، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

با اعمال حبس توانایی رفت‌وآمد فرد سلب خواهد شد. در جرایم علیه حقوق خانواده سلب آزادی تردد مرتکب در بهبود وضعیت بزه‌دیده سودی نخواهد داشت، مگر اینکه بزه‌دیده درصدد انتقام‌گرفتن باشد. در نظر بزه‌دیده فریب در نکاح محروم‌شدن مرتکب از آزادی خود مطلوب خواهد بود، اما اگر ناتوان‌سازی هدفی برای پیشگیری از جرم تلقی شود، با ماهیت جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی سازگاری ندارد. ناتوان‌سازی برای مجرمین خطرناک و به عادت است. بنابراین برای جامعه و بزه‌دیده حبس مرتکب جرمی مثل عدم ثبت نکاح فایده نخواهد داشت. سلب توان مالی بزه‌کار با حکم به پرداخت جزای نقدی نیز نه‌تنها خسارات بزه‌دیدگان را برطرف نخواهد کرد، بلکه درصورت داشتن تمکن مالی مناسب محکوم، موجب تشفی خاطر بزه‌دیدگان نیز نخواهد بود.

در این رویکرد درمان مجرم، بازگشت وی به زندگی عادی و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، توسط وی در آینده، موضوعیت دارد. اصلاح و بازپروری مجرم در محیط خانواده متضمن این معناست که بزه‌کار دارای توانایی‌های ثمربخش بوده و یک نقش فعال را برعهده گیرد.

باتوجه به اختیار قضات در راستای اصل فردی‌کردن مجازات، می‌توان در صدور حکم محکومیت به اصلاح مرتکب توجه داشت. یکی از اهداف مجازات‌ها این است که بزه‌کار ضمن تنبیه، متنبه شود و به جامعه بازگردد و اصل این است که این تنبیه فقط فرد بزه‌کار را شامل شود. در کیفر حبس، اعضای خانواده و افراد وابسته به زندانی نیز در قبال حبس‌شدن سرپرست خانواده دچار آسیب‌های روحی، مالی و حیثیتی می‌شوند. اگر فرد به‌دلیل عدم ثبت نکاح مجازات شود، هدف از مجازات حفظ قداست خانواده است، درحالی‌که با حبس کردن چنین فردی، بیشترین آسیب با بی‌سرپرست‌شدن اعضای خانواده، بر آن‌ها تحمیل می‌شود.

جبران آثار بزه‌دیدگی شامل جبران خسارت، پرداخت غرامت، اعاده وضع به سابق، اعاده حیثیت با توان‌بخشی و تاوان است. براساس ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود است» (شجاع‌الدینی، ۱۳۹۵: ۵۲).

بسیاری از بزه‌دیدگان فریب در نکاح، اطلاعی از امکان فسخ نکاح یا شکایت کیفری به جهت دروغ‌هایی که قبل از نکاح گفته می‌شود، ندارند. پس از وقوف به این امر نیز بسیاری از بزه‌دیدگان که حیثیت خود را در معرض خطر می‌بینند، از ترس آبرو شکایت نمی‌کنند. درنهایت کسانی که اقدام به طرح شکایت می‌کنند، به‌دنبال جبران خسارت‌هایی هستند که به سبب وقوع جرم متحمل شده‌اند. این خسارات در درجه اول معنوی است و در مواردی خسارات مادی نیز به سبب نکاح و در پی آن بر بزه‌دیدگان تحمیل شده است، اما در هیچ‌یک از آرای صادرشده به جبران خسارت بزه‌دیدگان اشاره‌ای نشده

می‌کند، در جهت حمایت از زوجه می‌توان به بیان تدلیس در عدم ثبت نکاح پرداخت.

پیشنهاد می‌شود که در قانون حمایت از خانواده و قانون مجازات اسلامی به بیان مصداق تدلیس در عدم ثبت نکاح توسط زوج پرداخته شود تا در همین راستا حقوق زوجه مورد حمایت قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.
- احتشامی‌نیا، محسن و خوش‌رفتار، امین (۱۳۹۲). «امام رضا (ع) و ترک اولای انبیاء در قرآن». *فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث (سفینه)*، ۱۱ (۴۱): ۲۵-۴۹.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات میزان.
- اسدی، لیلآسادات (۱۳۸۷). «نقد و بررسی قوانین ثبت نکاح، مطالعات راهبردی زنان». *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۰ (۴۰): ۱۰۳-۱۳۰.
- امامی، سیدحسن (بی‌تا). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات اسلامی.

است. در جریان دادرسی نیز، حمایت از بزهدیدگان نقش اساسی دارد. این حمایت‌ها شامل سرعت‌بخشی در رسیدگی حفظ حریم خصوصی به‌ویژه در جرمی مثل فریب در نکاح که بزهدیدگان نگران حیثیت خود می‌باشد، قطعیت در اجرای حکم و ... می‌باشد. گاهی پس از شکایت، روند طولانی رسیدگی موجب می‌شود که فرد از ادامه شکایت منصرف شود (شجاع‌الدینی، ۱۳۹۵: ۵۳).

در جرم عدم ثبت نکاح، مجازات حبس یا جزای نقدی بدون توجه به جبران خسارات بزهدیدگان صادر می‌شود، گرچه در مورد جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح موقت رویه قانون‌گذار تغییر کرده است، اما طبق قانون سابق (تعزیرات) عدم ثبت نکاح موقت جرم نبود.

نتیجه‌گیری

نکاح برای زوجین باعث ایجاد حقوق و آثار آن می‌شود. برای برخورداری از این حقوق لازم است که نکاح ثبت گردد، زیرا عدم ثبت نکاح می‌تواند باعث سرباززدن از انجام تکلیف زوجین شود. یکی از مهم‌ترین ادله و دلایل عدم ثبت نکاح، انکار زوجیت و ابوت است. ثبت نکاح باعث پذیرفتن مسؤلیت و حفظ خانواده می‌باشد. برای جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح قانون مجازات پیشنهاد شده است و در سال ۱۳۹۱ بنا به اهمیت ثبت، قانون حمایت از خانواده نیز به این موضوع پرداخته است. نکته حائز اهمیت این است که از نظر فقهی ثبت نکاح باعث صحت نکاح نیست و عدم آن باعث بطلان نمی‌شود، لذا به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای زوجین نمی‌شود. همان‌گونه که واضح است، عدم ثبت نکاح از نظر حقوق‌دانان و قانون جرم‌انگاری شده است. هدف مجازات عدم ثبت نکاح بر زوج قرار می‌گیرد. حال باید گفت قانون‌گذار در بیان اینکه مصادیق تدلیس را حصری کند، مردد بوده است، زیرا باتوجه به شرایط می‌توان مصادیق بی‌شماری را بر آن بار نمود. بنا به نظر نگارنده در پاسخ سؤالات مطرح‌شده تعیین مصداق تدلیس در عدم ثبت نکاح می‌تواند به نوعی شامل مصادیق تدلیس باشد و دارای مجازات است. باتوجه به اینکه زوج از مسؤلیت حفظ خانواده و نکاح شانه خالی

- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵). *المکاسب*. بیروت: مؤسسه النعمان.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). *فرهنگ معارف عربی فارسی*. چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.
- بهجت گیلانی فومنی، محمدتقی (۱۴۲۶). *جامع المسائل*. قم: انتشارات دفتر معظم له.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *حقوق ثبت*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حجتی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: میثاق عدالت.
- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد بیست و یکم، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- خوئی، سیدابوالقاسم (بی تا). *مصباح الفقاهه*. جلد اول، قم: انتشارات وجدانی.
- دینانی، عبدالرسول (۱۳۹۵). *حقوق خانواده*. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۹۷). «بررسی فقهی دلایل جرم‌انگاری عدم ثبت ازدواج». *نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۸(۲): ۲۹۷-۳۱۲.
- سلمان‌پور، عباس و حیدری، سعیده (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی جرایم علیه خانواده». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۵(۱): ۸۳-۱۰۷.
- شجاع‌الدینی مهنی، محبوبه (۱۳۹۵). *جرایم مربوط به عدم ثبت روابط زوجیت در حقوق کیفری ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما سیدابراهیم قدسی، مازندران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- شهری، غلامرضا (۱۳۹۶). *حقوق ثبت*. چاپ چهل و ششم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۳). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. چاپ دهم، تهران: نشر مجد.
- شیخ صدوق، محمد (۱۴۰۹). *من لایحضره الفقیه*. جلد پنجم، تهران: نشر صدوق.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۵). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ چهل و پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- طالقانی، نظرعلی (۱۳۸۶). *کاشف‌الاسرار*. به کوشش مهدی طیب، جلد دوم، تهران: نشر سفینه.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). *تهذیب‌الاحکام*. جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی جبعی، زین‌الدین (۱۴۱۳). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. جلد سوم و هشتم، قم: کتابفروشی دآوری.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان (بی تا). *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه*. جلد اول، قاهره: دارالفضیله.
- علامه حلی، جمال‌الدین (۱۳۸۲). *کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- علامه حلی، جمال‌الدین (۱۳۸۴). *الالفین فی امامیه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب*. کویت: مکتبه الالفین.
- علامه حلی، حسن (۱۴۱۰ ق). *تذکره الفقهاء*. جلد دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- علیشاهی قلعه‌جوقی، ابوالفضل و اسکندری، فرزانه (۱۳۹۷). «بررسی فقهی حقوقی ثبت نکردن نکاح در دفاتر اسناد رسمی». *نشریه فقه و حقوق خانواده (نمای صادق)*، ۲۳(۶۹): ۱۴۴-۱۲۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). *حقوق انتقالی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *حقوق خانواده*. چاپ ششم، تهران: نشر انتشار.

- محقق کرکی، علی (۱۴۱۴ ق). *رسائل المحقق الکرکی*. محقق شیخ محمد حسون، تحت نظر محمود مرعشی، جلد دوازدهم، قم: مکتبه آیت... العظمی المرعشی.

- مقری فیومی، احمد (۱۴۰۵ ق). *مصباح المنیر*. قم: مؤسسه دارالهجره.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ق). *النکاح*. مصحح محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب^(ع).

- نبی پور، محمد (۱۳۸۵). «جرم فریب در نکاح (موضوع ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی)». *مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال*، ۲(۲): ۱-۱۴.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم شناسی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد سی ام، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۳). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب. سایت

<https://www.hoghooghdanan.com> - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی